

مبنا و انواع مرور زمان کیفری در مذاهب خمسسه

محمد قاسم عارفی^۱

چکیده

قاعده ای مرور زمان از جمله نهاد های عینی ساقط کننده مجازات می باشد. چنانچه هر کدام از حقوقدانان و فقها نظر به علل و مبانی خاصی، نهاد مذکور را به عنوان اسباب ساقط کننده مجازات مورد تأیید و یا رد قرار داده اند. همچنان نظر به غالب بودن مشروعیت مرور زمان نزد حقوقدانان و فقها، نهاد مزبور نظم اجتماعی و عدالت قضایی را رقم زده و بر علاوه آن تضمین کننده کاهش تورم پرونده های قضایی و جنایی در دستگاه عدالت کیفری می باشد. این مقاله با روش توصیفی تحلیلی و تطبیقی مورد بحث و بررسی قرار می گیرد. حال سوال اصلی این است که مبنا ی مرور زمان در نزد اهل سنت و امامیه چیست و چند نوع مرور زمان نزد فقه فریقین مرسوم می باشد؟ یافته های تحقیق نشان میدهد که نظر به ضعف مبنا ی نقلی مرور زمان نزد فقه امامیه و همچنان به اساس قاعده عدم سقوط حق با وجود گذشت زمان، مرور زمان را صرفا در جرایم تعزیری تسامحا نظر به مبانی ذیل؛ مورد پذیرش قرار میدهند که عبارت از حکم حکومتی، قاعده اعراض، قاعده حفظ نظم و غیره می باشد. ولی نهاد مذکور نزد فقه حنفی بر خلاف جمهور اهل سنت سبب سقوط مجازات در تعزیرات و حدود به استثنای حد قذف می باشد. چنانچه برای مشروعیت آن به مبانی ذیل استناد میورزند که عبارت از روایت خلیفه دوم مسلمانان، اجماع و مظنه تهمت می باشد. اما به اساس روایات وارده در منابع روایی امامیه در مورد قاعده ای مرور زمان اعم از مدنی و کیفری یک نوع بودن مرور زمان، قابل استنباط هست که همانا مرور زمان تعقیب می باشد. برعکس فقه امامیه در فقه حنفی دو نوع بودن مرور زمان قابل اثبات هست که عبارت از مرور زمان تعقیب و مرور زمان مجازات می باشد.

کلید واژگان: مبانی، فقه، مرور زمان، مذاهب، انواع مرور زمان.

^۱ - دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی جامعه المصطفی واحد گرگان.

مقدمه

دقیقا مشروعیت و عدم مشروعیت هر نهادی نزد فقها و حقوقدانان بستگی به علل، عوامل و مبانی نقلی و عقلی محکم و استوار مبتنی بوده و هیچ نهادی را تعبدا مگر به صورت استثنایی مورد پذیرش قرار نمیدهند. از جمله نهاد های که از مبانی معقول عقلی و نقلی نزد حقوقدانان و فقها برخوردار است، نهاد و قاعده ای مرور زمان است. نهاد مزبور از دیر زمانی است که مورد کنکاش و گفتمان فقهای فریقین (شیعه و سنی) قرار داشته طوریکه فقهای امامیه بخاطر ضعیف پنداشتن مبانی روایی مرور زمان و همچنان با ملاحظه ای عدم سقوط حق با وجود گذشت زمان که از جمله مبانی دیگری مرور زمان نزد شان محسوب می شود. جولانگاه این قاعده را با شرط و شرایطی خاصی محصور به عرصه ای جرایم تعزیری دانسته و از سرایت دادن آن به عرصه جرایم حدی می پرهیزند. ولی فقه حنفی بر خلاف جمهور اهل سنت (مالکیه، شافعیه و حنابله) و امامیه برای قاعده ای مرور زمان گستره ای عملی و اجرایی وسیعی را نظر به مبانی روایی و عقلی مستحکم که عبارت از روایت خلیفه دوم اسلام، اجماع و مظنه تهمت می باشد. قایل است.

حال سوال اینجاست که فقه امامیه نظر به ضعیف پنداشتن مبانی روایی قاعده ای مرور زمان و همچنان در تعارض دانستن مرور زمان با قاعده ای عدم سقوط حق با وجود طولانی شدن مدت آن، چگونه و با کدام مبنا این نهاد را در جرایم تعزیری مورد پذیرش قرار میدهد و همچنان چند نوع مرور زمان در نزد فقه امامیه و اهل سنت قابل استنباط و استخراج هست. و بر علاوه به فرض استنباط انواع مرور زمان کیفری در فقه فریقین، مبدأ، مدت، سقوط و تعلیق آنرا چگونه مشخص می نمایند؟

در پاسخ باید عرض کرد که فقهای امامیه نظر به مبانی و دلایل زیر نهاد مرور زمان را استثناء در جرایم تعزیری میپذیرند که عبارت از حکم حکومتی، قاعده ای اعراض، و قاعده ای حفظ نظم و مصلحت می باشد. (خمینی، ۱۳۸۵، ۱۵۵) همچنان به اساس روایات وارده در منابع روایی امامیه در مورد نهاد و قاعده ای مرور زمان اعم از موارد مدنی و کیفری یک نوع مرور زمان، قابل استنباط هست که همانا مرور زمان تعقیب می باشد. ولی جمهور اهل سنت مرور زمان را تنها در تعزیرات بشرط مصلحت سنجی قاضی قابل قبول میدانند. (شیری، ۱۳۷۲، ۲۱۱) حنفی ها تقریبا قاعده مذکور را بصورت مطلق میپذیرد. همچنان دو نوع بودن مرور زمان کیفری در نزدشان نظر به این روایت که از امام بزرگوار ابوحنیفه در منابع حنفی ذکر گردیده هست. قابل استنباط است. که عبارت از مرور زمان تعقیب و مرور زمان مجازات می باشد. «کما یمنع قبول الشهاده فی الابتداء یمنع الاقامه بعد القضاء.» (فتحی بهنسی، ۱۴۰۱، ۸۳) ترجمه: طوریکه مرور زمان سبب عدم قبولیت شهادت در ابتداء که همان مرور زمان دعوی جزایی و تعقیب است می گردد. همچنان مرور زمان سبب عدم اقامه اجرای مجازات در مرور زمان مجازات نیز می شود. بر خلاف جمهور اهل سنت و امامیه مبدأ، مدت، سقوط و تعلیق مرور زمان را از فقه حنفی در لابلای نظریات و روایات منقول فقه حنفی میتوان اثبات کرد. چنانچه مبدأ مرور زمان تعقیب نظر به این روایت که از

امام ابوحنیفه نقل گردیده است که می فرماید: «گذشت اندکی بعد از ارتکاب جرم مشمول مرور زمان می گردد.» (کاشانی، ۱۴۱۹، ۲۰۰) میتوان به صورت حدسی مبدأ مرور زمان تعقیب و مجازات را لحظه ای ارتکاب جرم تلقی کرد. برعلاوه مدت مرور زمان تعقیب نزد فقه حنفی از یک ماه- شش ماه مشخص گردیده هست. (همان، ۱۴۱) و در نتیجه سقوط مرور زمان تعقیب و مجازات را با یک مثال که بر گرفته از حدیث فوق است. معین می کنیم. مثلاً اگر شاهدان عینی بعد از وقوع جرم در جرم زنا بعد از گذشت ۱ ماه که جرم در آستانه مشمولیت مرور زمان قرار دارد، در محکمه علیه متهم شکایت نماید، سبب سقوط مرور زمان دعوی جزایی می گردد. همچنان سقوط مرور زمان مجازات را نظر به این روایت «که اگر مجرم حین اجرای مجازات و اندکی قبل از اتمام آن فرار نماید ولی پولیس در همان ساعت فرار دوباره مجرم را گرفتار نماید. مدت باقی مجازات بالای وی تطبیق می گردد.» (فتحی بهنسی، ۱۳۹۰، ۹۷). علی الرغم عدم صراحت علت تعلیق مرور زمان مجازات در فقه حنفی، میتوان به صراحت گفت. که هر علتی شرعی و قانونی که مانع اجرای مجازات گردد. تعلیق مرور زمان مجازات را نیز تحقق میبخشد. مانند مریضی، حامله بودن و شیردهی.. (عوده، ۱۳۸۹، ۱۸۱)

این تحقیق و پژوهش با روش توصیفی تحلیلی و کتابخانه ای مورد بحث و بررسی قرار می گیرد.

به این ترتیب در این پژوهش در قدم نخست به مبانی مرور زمان از دیدگاه فقه امامیه و فقه حنفی پرداخته شود

سپس به انواع مرور زمان در فقه امامیه و حنفی به صورت اجمالی پرداخته می شود.

۱- مفهوم شناسی

۱-۱ مبانی

مبانی جمع مبنا بوده که مبنا به معنی بنا و عمارت و همچنین به معنای بنیان و اساس نیز آمده هست. (دهخدا، ۱۳۵۲) و بنا به معنای ساختمان هست و فعل آن نیز به همین معنا در قرآن کریم به کار رفته هست، مانند (و**بنینا فوقکم سبعا شدادا**) (نبا/۱۲) و بنیان نیز به معنای شالوده، بنیاد و بنا نیز آمده هست. (معین، ۱۳۸۱) و در اصطلاح حقوقی فقهی عبارت از نیروی های الزام آور برای احکام و یا دلایل اعتبار و مشروعیت بخش احکام و قواعد فقهی حقوقی می باشد. (منصور آبادی، و ریاحی، ۱۳۹۱، ۱۱) مبنا در علوم نیز به معنای لغویش به کار برده می شود، مثلاً در علم ریاضی عددی است که در هر دستگاه عدد نویسی پایه قرار می گیرد و ارزش مکانی ارقام، بر حساب آن تعیین می شود. (معین، ۱۳۸۰)، که جمع آن مبانی می باشد. چنانچه متضاد آن بنا و ساختار می باشد. (فرهنگ آبادیس)

۱-۲ فقه

در نگاه ابتدایی به کلمات و تعبیرات کثیری از اهل لغت، به نظر میرسد که فقه به معنای مطلق فهم باشد. (دهخدا، ۱۳۵۱) ولی با کمی تامل و نگاه عمیق خصوصاً به عبارات علمایی که در مقام تعیین تفاوت های ظریف

بین واژگان متشابه برآمده اند و فروق اللغه را تدوین کرده اند، به این نتیجه میرسیم که فقه در لغت مطلق فهم نیست؛ بلکه موشکافی و ریز بینی و ادراک دقیق را فقه گویند. چنانچه در فرهنگ قرآنی نیز به معنای بصیرت و ریزبینی دقیق استعمال شده هست. و محدوده ای استفاده این واژه در زبان آیات اختصاص به احکام فرعی ندارد؛ بلکه فقیه قرآنی کسی هست که نسبت به مجموعه ای مسائل و مفاهیم دینی اعم از اعتقادات، اخلاق و احکام، آگاهی و بصیرت لازم را داشته باشد. (پایگاه اطلاع رسانی آیه الله مکارم شیرازی، ۱۳۹۷، ۱) ولی امروزه منظور از فقه نزد شیعه و سنی همان تعریف مشهوری هست که منسوب به امام شافعی می باشد. چنانچه میفرماید: فقه عبارت از احکام شرعی عملی که بر گرفته از ادله تفصیلی می باشد. (زحیلی، ۱۳۹۶، ۱۴)

۳-۱- مرور زمان

مرور زمان از دو کلمه ترکیب شده که عبارت از "مرور و زمان" می باشد. که معنای ترکیبی آن از لحاظ لغوی نزد اهل لغت عبارت از گذشتن، سپری شدن و رد شدن ایام می باشد (دهخدا، ۱۳۵۱) ولی اصطلاح مرور زمان نشان دهنده حالت جاری است نه آن چیزیکه حقوقدانان از آن انتظار دارند که عبارت از گذشتن یک مدت مشخص از زمان و وقوع جرم و در نتیجه سقوط دعوی جزایی و مجازات بوسیله آن باشد. به نظر میرسد. پیشنهاد عده ای از حقوقدانان به جای اصطلاح مرور زمان که مضمی الزمن یا تقادم الزمان است، رساتر و نزدیک به مطلوب باشد. (لنگرودی، ۱۴۰۱، ۱۰۶۰) چنانچه این اصطلاحات در زبان عربی در این زمینه نیز معمول است. (بهنسی، ۱۴۱۹، ۲۰۸) ولی علت جا افتادن اصطلاح مرور زمان در زبان حقوقدانان با وجودی عدم گویایی آن در این زمینه، ممکن بخاطر کثرت استعمال و تداول آن بین حقوقدانان کیفری و مدنی باشد. مفهوم شناسی مرور زمان در فقه مرور زمان در اصطلاح فقه حنفی: عبارت از گذشت مدتی از وقوع جرم است که در این مدت نه دعوایی علیه متهم صورت گرفته و نه مجازاتی بالای مجرم از طرف قاضی اجراء گردیده باشد.

و یا مرور زمان به معنای گذشت مدتی مشخص و معین از زمان وقوع جرم است که از طرف متضرر و یا قاضی دعوای علیه متهم صورت نگرفته باشد. (همان اثر) همچنان بعضی از فقهای حنفی، تقادم العهد و یا مرور الزمن را به گذشتی از زمان اطلاق میدارند که بعد از ثبوت جرم و یا جنایت بالای وی مجازات تطبیق نگردیده باشد. (عوده، ۱۳۹۸، ۱۷۵) که این تعریف تنها ناظر بر مرور زمان مجازات است. تعاریف فوق در فقه حنفی با توجه به مصادیق مقبوله در این فقه که مرور زمان تعقیب و مرور زمان مجازات می باشد. ارائه گردیده است. بنابر این از منظرگاه فقه حنفی، دو نوع مرور زمان رسمیت دارد. مرور زمان تعقیب و مرور زمان مجازات (فتحی بهنسی، ۱۴۱۹، ۲۱۰) مفهوم مرور زمان در فقه امامیه: نظر به روایت ذیل؛ مرور زمان نزد فقهای امامیه «عبارت از گذشت مدتی معین از تاریخ وقوع جرم است که بعد از آن متهم، با وجود اسناد و مدارک از طرف محکمه مورد تعقیب کیفری قرار نمی گیرد.» این تعریف برگرفته شده از حدیث است که محدثین امامیه آن حدیث را با بکار بردن اصطلاحات چون شاذ و مطرح (گلپایگانی، ۱۳۷۲، ۲۳۲) مورد قبول قرار نداده اند که می فرماید: «شهادت به زنا بعد از گذشت شش ماه از وقوع آن، از طرف شهود شنیده نمی شود» اما در مجموعه های روایی این حدیث دیده

نشده است، بدین مناسبت مرور زمان کیفری در حدود و قصاص و دیات نزد علمای امامیه به استثنای تعزیرات که آنهم قاضی یا حاکم صلاح ببینند مشروع نیست. (شیخ حسن، ۴۶۰، ۱۳)

۴-۱- مذاهب

مذاهب که جمع مذهب می باشد. چنانچه مذهب به معنای راه و روش است. (معین، ۱۳۸۱) و در مفهوم دینی به مسیر اعتقادی افراد، مذهب گفته می شود. در این تعریف، میتوان مذهب را در ارتباط با اصل دین هم به کار برد، به عنوان نمونه، پیامبران خصوصا پیامبر آخرالزمان محمد صلی الله علیه وسلم را بنیان گذار مذهب اسلام دانست، اما اکنون در مورد اصل اسلام از واژه دین و یا آئین استفاده میکنند. مانند دین اسلام، یهودیت، مسیحیت، زرتشت.. که این کاربرد مذهب به معنای عام آن می باشد. ولی مذهب به معنای خاص آن به نحله های فکری درون یک دین مانند مذاهب پنجگانه فقه اسلامی اطلاق می شود. (ویکی فقه، <http://fa.wikifeqh.ir>) که منظور کاربرد این واژه در تحقیق حاضر همان مذهب به معنای خاص هست.

۲- مبنای فقهی مرور زمان

اعتبار و عدم اعتبار قواعد و احکام فقهی و یا حقوقی بستگی به داشتن مبانی و اصولی هست که بر گرفته از عقل و نقل باشد. و گرنه هیچ عاقلی حرفی که هیچگونه مبنایی علمی و عملی نداشته باشد. نمیتواند مورد پذیرش قرار دهد. بویژه در عرصه فقه و قانون که یک کارزار کاملاً عملیاتی می باشد. کوچکترین عدم دقت و تیز بینی در آن موجب ایراد خسارات مادی و معنوی در پیکر جامعه و افراد می گردد. بنابر این معقول و بجاست که قبل از پذیرش مرور زمان به عنوان یک قاعده فقهی حقوقی مروری داشته باشیم به اساس و پایه های آن که چقدر محکم و یا نا استوار اند. با توجه به کارکرد و دایره ای عملی و اجرایی نهاد و قاعده ای مرور زمان در فقه فریقین (امامیه و اهل سنت) مبانی مختلفی از طرف هر کدام از مذاهب مذکور ارایه گردیده است که در این پژوهش به مشهورترین آنها در دو مبحث کوتاه و مختصر همراه با دلایل آنها پرداخته می شود.

۲-۱- فقههای امامیه

علی الرغم عدم پذیرش تأثیر قاعده ای مرور زمان در جرایم حدود نزد فقههای شیعه، نهاد مرور زمان در بخش تعزیرات نیز در مصادر و منابع شان نظر دقیقی مبنی بر پذیرش آن، جلب توجه نمی کند، اما با توجه به ماهیت و اندازه تعزیر و بر حسب اوضاع و احوال و مقتضیات موجود و با در نظر داشت میزان اختیارات حاکم در اجراء و اعمال تعزیرات که در فقه امامیه از آن بحث شده است، میتوان چنین نتیجه گرفت و حکم تأثیر قاعده ای مرور زمان را از فقه امامیه به دست آورد. (صیر و حسینی، ۱۳۹۶، ۱۳) ذیلاً به مبانی مذکور پرداخته می شود.

۲-۱-۲- حکم حکومتی

علامه طباطبایی در تعریف حکم حکومتی می فرماید: ولی امر می تواند در سایه قوانین شریعت و رعایت موافقت آنها، یک سلسله تصمیمات مقتضی به حسب مصلحت زمان گرفته، مطابق آنها مقرراتی وضع نموده و به موقع

اجراء در بياورد. تصميمات و مقررات مذکور لازم الاجرا و مانند شريعت داراي اعتبار ميباشد. (طباطبائي، بي تا، ۱۸).

همچنان تعريف شبیه دیگر از احکام حکومتی از طرف یکی از علمای دیگر این مذهب صورت گرفته که احکام حکومتی عبارتند از مجموعه مقرراتی که بر اساس قواعد شرعی و عقلی، به طور مستقیم یا غیرمستقیم، از طرف حاکم اسلامی برای اعمال و اجرای احکام و حدود الهی و به هدف و منظور اداره جامعه در نواحی و ابعاد گوناگون آن و تنظیم روابط ملی و بین المللی آن صادر میگردد. (ماوردی، ۱۴۰۶، ۵)

پذیرش و مشروعیت نهاد و قاعده ای مرور زمان در منظومه ای حقوق کیفری در بخش تعزیرات نزد فقه امامیه با وجودیکه دلایل روشنی مبنی بر پذیرش نهاد مذکور؛ چنانچه قبلاً بدان اشاره گردید؛ در این حوزه وجود ندارد. ولی استثناء میتوان بوسیله ای احکام حکومتی که از طرف حکام مشروع که نایب و خلیفه بر حق مسلمین است، وضع می گردد، میتوان استثناء کرد.

۲-۲-۲- قاعده حفظ نظم و مصلحت اجتماع

از جمله ضوابط و قواعد فقهی امامیه قاعده « وجوب حفظ ضرورت نظم و مصلحت اجتماعی » است. اگر چند بعض فقهای امامیه در موارد مختلف از این قاعده بهره ها برده اند. اما اکثر آنان به این قاعده به صورت قاعده مستقل فقهی ننگریسته اند. یعنی در کل میتوان گفت که نسبت به این قاعده از طرف فقهای امامیه به استثناء امام راحل خمینی (رح) بی مهری صورت گرفته است. (جمالزاده، باباخانی، ۱۳۹۰، ۷)

نظام جمع نظم در لغت به معنای مرکزیت جامعه، مسلمین حدود و ثغور یا کیان سرزمین های اسلامی می باشد. بدین ترتیب میتوان اصطلاحاً گفت منظور از حفظ نظم یا نظام انجام هر عملی که باعث یک دستی، هماهنگی و پیوستگی یک جمعیت شود و بی نظمی و آشفتگی را از بین ببرد، می باشد. البته باید توجه کرد که این قاعده در مواردی صادق است که حفظ نظام نوع مردم و حیات اجتماعی آنها مطرح باشد. و نظامات فرعی ای که اخلاق در نظام بشر ایجاد نمی کند را شامل نمی شود. به عنوان نمونه، ایجاد اخلاق در نظام فرهنگی مدرسه یا آموزشگاه را نمی توان از مصادق قاعده مذکور تلقی کرد. (همان، ۸)

حاصل مطلب اینکه، مشروعیت مرور زمان با وجود اینکه در تضاد با قاعده ای عدم سقوط حق با وجود طولانی بودن آن و عدم تشریع روشن در منابع روایی امامیه می باشد. ولی بخاطر حفظ نظم، مصلحت اجتماعی و جلوگیری از تورم پرونده های کیفری در دادگاه و غیره مورد پذیرش امامیه در بخش تعزیرات گردیده که این پذیرش در قانون مجازات اسلامی در بخش تعزیرات این گونه باز تاب یافته است. «مرور زمان در صورتی تعقیب جرایم موجب تعزیر را موقوف میکند که از تاریخ انقضای مواعد زیر تعقیب نشده و یا باشد» (قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲، ۱۰۵)

۲-۳-۲- قاعده اعراض

واژه اعراض از ریشه «ع ر ض» گرفته شده است. چنانچه از این ریشه برای بیان معانی مختلفی استفاده می شود. مانند رویگرداندن و ترک کردن می باشد. (علی، دهخدا، فرهنگ) ولی در خصوص معنای اصطلاحی اعراض دو برداشت فقهی - حقوقی بیشتر قابل توجه است.

الف: معنای عام قاعده ای اعراض به معنا و مفهوم. روی برگرداندن و مطلق ترک کردن حق و حقوق استفاده می شود.

ب: معنا و مفهوم خاص قاعده ای اعراض در اصطلاح فقهی و حقوقی، عبارت است از اینکه مالک از مال متعلق بر خود صرف نظر نماید، با این قصد که رابطه مالکانه او بر موالش قطع شود. (پیلوار، ۱۳۹۶، ۸۳)

اگرچند قلمرو عملی و کاربردی این قاعده اعراض حقوق مدنی است. ولی با استفاده از معنای عام آن که «روی گردانیدن و ترک کردن حق» است. فقهای امامیه در بخش حقوق جزا این قاعده را به عنوان یکی از مبانی مرور زمان نیز می پذیرند، مثلاً اگر قربانی در جرایم قابل گذشت و یا دادسراء بعد از آگاهی و اطلاع از وقوع جرم در وقت مشخص قانونی متهم را مورد تعقیب کیفری قرار ندهد و در نتیجه مجرمیت وی را با استفاده از ادله مثبت اثبات نکند. اینجاست که معنی اعراض از تعقیب از طرف بزه دیده و دادسراء تحقق پیدا کرده بالتبع آن، برای متهم یا مجرم حق ایجاد می کند.

۲-۲-۲- مبانی مرور زمان کیفری در نزد اهل سنت

الف: در نزد جمهور اهل سنت که عبارت از مالکیه، شافعیه و حنبلیه می باشد. مرور زمان را در جرایم حدود، قصاص و دیات بخاطر اطلاق نصوص مربوطه به آنها نمی توان بخاطر قاعده امثال مرور زمان ساقط گرد و همچنان در جرایم تعزیری قبول و عدم قبول آن بستگی به مصلحت بینی قاضی دارد. یعنی پذیرش و عدم پذیرش نهاد مرور زمان در نزد جمهور اهل سنت زمانی در جرایم تعزیری قابل قبول هست که با مصلحت سنجی های حضرت قاضی جور در بیاد و موافق آید. (شیری، ۱۳۷۲، ۲۱۱). و گرنه به هیچ وجه از این نهاد که سبب کاهش تورم پرونده های کیفری در نهاد عدالت قضایی می شود. استفاده نمی گردد.

ب: برخلاف سایر مذاهب (اعم از جمهور اهل سنت و امامیه) مرور زمان در فقه حنفی به شکل گسترده ای (اعم از حدود، قصاص و تعزیرات) مورد پذیرش قرار گرفته است. اینک به مشهور ترین مبانی پرداخته می شود که قاعده مرور زمان به اساس نظریه مذهب حنفی مبتنی بر آن است.

۲-۲-۱- روایت قولی و برخورد عملی خلیفه دوم اسلام حضرت عمر رض

روایتی که از خلیفه دوم مسلمانان نقل شده است هرگاه جمعی بر حدی از حدود الهی شهادت دهند که در زمان وقوع جرم بر آن شهادت نداده اند. نزد ابوحنیفه آنها شاهدانی تلقی می شوند که از روی کینه و حقد و حسد بر علیه متهم شهادت داده اند. در تفسیر روایت مذکور گفته اند: شهود در ابتدای اطلاع و آگاهی از وقوع جرم مخیرند در بین اینکه بر قضیه جنایی مذکور شهادت بدهند یا اینکه سکوت اختیار کرده لب بدوزند و حفظ آبرو

و عزت برادر مسلماناش را نمایند، عدم شهادت آنها در این مدت به این معنی است که آنها سکوت را اختیار کرده اند، حال آن که بعد از گذشت این مدت، شهادت داده اند، احتمال داده می شود که عداوت و دشمنی آنها با متهم باعث شده است که علیه او شهادت بدهند، این جاست که چنین شهادتی شبهه آمیز و شک بردار از طرف چنین شاهدانی در دستگاه عدالت کیفری به عنوان سند و مدرک قابل قبول پذیرفته نیست. (سرخسی، ۲۱۰، ۹)

۲-۲-۲- اجماع اصحاب رضی الله عنهم

آنچه را که خلیفه دوم اسلام حضرت عمر رضی عنه در مورد عدم پذیرش شهادت شهود بعد از گذشت مدتی از وقوع جرم در مورد قضیه جنایی از پیامبر خدا صلی الله علیه و سلم روایت نمود. جمعی از اصحاب رضی الله عنهم که در آنجا حضور داشتند سخن مبنی بر مخالفت با روایت خلیفه دوم اسلام، اظهار نکردند. بنابر این سکوت اصحاب در برابر روایت خلیفه دوم اسلام حقیقتاً به معنی اجماع سکوتی اصحاب محسوب می شود. چنانچه این نوع اجماع نیز مانند اجماع صریح در نزد اهل سنت بویژه وقتی این اجماع اجماع سکوتی و یا ضمنی از طرف اصحاب رضی الله عنهم صورت بگیرد دلیل و حجت تلقی می گردد. (الکاشانی، بی تا، ۴۶)

۲-۲-۳- شبهه ای تهمت

در صورت گذشت ایام و زمان از زمان وقوع جرم مانند زنا و سرقت و شرب خمر از طرف مرتکب وعدم شهادت و ارائه سند و مدرک در دستگاه قضایی حین وقوع جرم از طرف شاهد سپس اقدام به شهادت و ارایه دلیل و مدرک علیه متهم نزد قاضی دادگاه بعد از گذشت مدت مشخص و معین (دو ماه، یک ماه، شش ماه) که خود مظنه تهمت می باشد نماید. چنین موارد و مصادق از جمله شبهات محسوب می شود. (فتحی بهنسی، ۱۴۱۹، ۹۵) بدینسان عدم شهادت شهود علیه جرایم؛ در فقه حنفی نظر به مبنای مظنه ای تهمت؛ به مجرد وقوع جرم از طرف متهم و یا مجرم و اقامه ای شهادت بعد از یک مدت مشخصی که در مورد مدت آن مرور زمان کیفری در فقه حنفی نظریات مختلفی از ۱-۶ ماه ارایه گردیده است. (همان، ۹۵) نظر به قاعده مشهور فقهی (ادرالحدود بالشبهات)، شهادت وی شبهه محسوب گردیده بنابر این به شهادت وی از طرف دستگاه عدالت کیفری توجهی صورت نمی گیرد. و شهادت متهم طبق فرموده رسول خدا (صلی الله علیه و سلم) پذیرفته نیست. (الکاشانی، بی تا، ۴۶)

۳- انواع مرور زمان در فقه

حالا سوال اصلی دیگر این است که آیا در فقه نیز مانند قوانین وضعی انواع مرور زمان مورد بحث و بررسی قرار گرفته هست؟ یا اینکه صرف به مشروعیت و عدم مشروعیت آن پرداخته و از تقسیمات آن طفره رفته و بدان توجهی نگرده هست؟ مباحث زیر به سوال فوق پاسخ میدهد.

۱-۳- انواع مرور زمان در فقه امامیه

به اساس روایات وارده در منابع حدیثی و فقهی امامیه در مورد نهاد و قاعده ای مرور زمان اعم از مدنی و کیفری یک نوع مرور زمان، قابل استنباط هست که همانا مرور زمان تعقیب می باشد. چنانچه از روایت زیر مشخص می گردد.

اگر کسی بعد از گذشت شش ماه از وقوع جرم زنا در دادگا علیه زانی و زانیه شهادت بدهد شهادت وی در این زمینه قابل قبول نیست. (طوسی، ۱۳۸۷، ۱۳) نا گفته نباید گذاشت که فقهای امامیه نظر به شاذ بودن (شهید ثانی، ۱۴۰۹، ۹۳۶) و مطرح بودن آن و همچنان در تضاد دانستن حدیث فوق را با اصل عدم سقوط حق، با وجود گذشتن مدت مدید از آن، (الافندی، ۱۳۹۵، ۹۸) عملاً در این مورد بدان استناد نمیکنند.

۲-۳- مبدأ، مدت، سقوط و تعلیق مرور زمان در جرایم حدی و تعزیری

با توجه به اینکه نهاد مرور زمان نزد فقهای امامیه از مقبولیت و مشروعیت عام و تام در جرایم حدود برخوردار نیست. چنانچه مبنای ثبوت مرور زمان تعقیب را که در فقه امامیه حدیث ذیل شکل میدهد «مدت مرور زمان جرم زنا شش ماه می باشد.» محدثین اهل تشیع آنرا ضعیف و شاذ می پندارند. (طوسی، ۱۳۸۷، ۱۳) و همچنان نهاد مرور زمان را فقهای امامیه در جرایم تعزیرات؛ با توجه به ماهیت تعزیر و میزان اختیارات حاکم در اجرای تعزیرات. در اینکه تعیین کمیت تعزیرات به حاکم واگذار شده است تا بر حسب اوضاع و احوال و مقتضیات موجود، میزانی مناسب مجازات را بالای مجرم تعیین نماید. یا به هر دلیلی حاکم و قاضی بتواند جرایم تعزیری را اصلاً اجراء ننماید؛ به صورت استثنایی مورد پذیرش قرار داده اند. (عبدالب حسینی، ۱۳۹۰، ۲۸) لهذا نظر به عدم دلیل معتبر مبنی بر مشروعیت مرور زمان در جرایم حدی نزد فقه امامیه و همچنان صرف مشروعیت نهاد مذکور در جرایم تعزیری بنابر مصلحت متهم و دستگاه عدالت قضایی و کیفری امری بیهوده و حتی نا ممکن است که در پی اثبات مبدأ، مدت، سقوط و تعلیق نهاد مرور زمان در فقه امامیه بود و به هر کدام از آن (مبدأ، مدت، سقوط و تعلیق) تیترو عنوان علیحده انتخاب نمود.

۲-۳- انواع مرور زمان در نزد اهل سنت

انواع مرور زمان کیفری در نزد جمهور اهل سنت: چنانچه قبلاً عرض کردیم که مرور زمان در حدود، قصاص و دیات در نزد جمهور اهل سنت به هیچ وجه قابل پذیرش نیست ولی در تعزیرات بصورت استثنایی مرور زمان کیفری نظر به مصلحت سنجی های حضرت قاضی قابل پذیرش هست..

این بند در پی بررسی انواع مرور زمان در فقه حنفی است که آیا فقه حنفی نیز مانند قوانین وضعی مرور زمان را به انواع مختلف تقسیم نموده است و یا اینکه به صورت مطلق از آن نامبرده و به انواع و اقسام آن هیچ اشاره ای نکرده است؟ اجمالاً در پاسخ باید عرض کرد که از این عبارت که از امام ابوحنفیه روایت شده «کما یمنع قبول

الشهادة في الابتداء يمنع الاقامه بعد القضاء.» (فتحي بهنسي، ۱۴۱۹، ۲۱۴) ترجمه: چنانچه مرور زمان سبب عدم قبولیت شهادت در ابتداء که همان مرور زمان دعوی جزایی است می گردد. همچنان مرور زمان سبب عدم اقامه اجرای مجازات در مرور زمان مجازات نیز می شود؛ دو نوع بودن مرور زمان در فقه حنفی دانسته می شود.

۳-۳- مرور زمان دعوی جزایی

گرچند تعریفی خاصی از مرور زمان دعوی جزایی در فقه حنفی در منابع و مصادر قدیم فقه حنفی که عبارت از فتح القدیر، مبسوط، بدایع الصنایع فی ترتیب الشرایع، الاشباه والنظایر... و همچنان منابع جدید که به شکلی تطبیقی کار شده مانند فقه الجنایی عبدالقار عوده، نظریات فی الفقه الجنایی فتحي بهنسي... در باب جنایات و موارد سقوط آن مرور زمان که یکی از موارد سقوط دعوی جزایی و مجازات نیز می باشد، نگاشته شده باشد، دیده نمی شود. ولی اصل آن یعنی مرور زمان دعوای جزایی را به رسمیت شناخته، و نیز مورد پذیرش فقه حنفی می باشد. در نتیجه به اساس آن حتی شهادت شاهدان عینی را در جرایم مستوجب حد بعد از گذشت یک مدت زمان؛ که این مدت را در بحث مدت مرور زمان دعوی جزایی مطرح خواهیم کرد؛ بعد از وقوع جرم در جرایم حق اللهی قابل سمع در دستگاه عدالت قضایی نمیدانند. (همان، ۲۱۲)

۳-۴- مرور زمان مجازات

فقه حنفی مرور زمان مجازات را نیز مورد تأیید قرار داده و بوسیله آن مجازات را از شخص محکوم به مجازات قطعی توسط دستگاه عدالت قضایی و حتی بعد از اجرای نصف آن که در حین اجراء مجرم از آن فرار کند، مرفوع میداند. چنانچه می فرماید: «حتى لو هرب محكوم عليه بعد ما ضرب بعض الحد ثم اخذ بعد ما تقادم الزمان لا يقام باقى الحد عليه.» (همان، ۱۳) ترجمه: وقتی محکوم علیه بعد از اجرای نصف مجازات فرار کند ولی بعد از گذشت یک مدت از زمان شخص مجرم گرفتار گردد. دیگر متباقی مجازات بالای وی قابل اجراء و اعمال نمی باشد.

۳-۵- مبداء مرور زمان

آیا مبدأ مرور زمان دعوی جزایی و مجازات در منابع و مصادر فقه حنفی صراحتاً و یا ضمناً ذکر گردیده است و یاخیر؟ مبدأ مرور زمان صراحتاً از منابع حنفی که در مورد مرور زمان نگاشته شده دانسته نمی شود. ولی ضمناً از بعضی روایات در منابع فقه حنفی مبدأ مرور زمان را میتوان حدس زد.

۳-۱-۵- مبدأ مرور زمان دعوی جزایی و یا مرور زمان تعقیب

به اساس روایت های که فقه حنفی که مدت مرور زمان دعوای جزایی را از ۱-۶ ماه معین کرده است. که بعداً در بحث مدت مرور زمان بدان اشاره خواهیم کرد، نمیتوان مبدأ مرور زمان دعوی جزایی را معین کرد. ولی نظر به یک روایتیکه در مورد مدت مرور زمان از فقه حنفی داریم که «همانا مشمولیت مرور زمان دعوای جزایی با گذشت اندکی از وقت ارتکاب جرم نیز تحقق می یابد» (همان، ۱۵۴) گفته میتوان که شروع و مبدأ مرور زمان دعوی جزایی بصورت حدسی لحظه ارتکاب همان جرم باشد.

۵-۲-۳- مرور زمان مجازات

از عبارت گنگ (بعد از مدتی گرفتار شود، مشمول مرور زمان می گردد) که قبلاً در بحث مرور زمان ذکر گردید نمی توان شروع و مبدأ مرور زمان مجازات را حدس زد. زیرا این مدت بصورت مطلق ذکر گردیده است. ولی روایت دیگری در فقه حنفی وجود دارد که بوسیله آن می شود مبدأ و شروع مرور زمان مجازات را به صورت حدسی تعیین کرد. طوریکه می فرماید: در همان ساعت فرار اگر دوباره گرفتار شود. مجازات بالایش تطبیق می گردد. (مبسوط، بی تا، ۱۷۶) پس چنین نتیجه می گیریم که مبدأ مرور زمان مجازات همان ساعت فرار از مجازات است. نه گذشت ایام و ماه ها از زمان فرار از مجازات.

۵-۳-۳- مدت مرور زمان

در این بند به بررسی مدت مرور زمان دعوی جزایی و مجازات می پردازیم که آیا فقه حنفی تنها مدت مرور زمان را برای مرور زمان دعوی جزایی تعیین و مشخص نموده و یا اینکه برای مرور زمان مجازات هم، مدتی را در نظر دارد؟

۵-۳-۱- مدت مرور زمان دعوی جزایی

از امام بزرگوار ابوحنیفه در مورد مدت مرور زمان دعوی جزایی روایات مختلف نقل گردیده که ذیلا بدان اشاره می شود.

الف: مدت مرور زمان به اختیار قاضی است. چنانچه قاضی ابو یوسف شاگرد ارشد امام ابوحنیفه این نظر را از استادش نقل نموده است که میفرماید: هر چند تلاش کردم، که امام ابوحنیفه وقت و مدت مرور زمان را تعیین کند خویشتن داری نموده فرمود: مدت و زمان آن را قاضی محکمه باید مشخص نماید. (الکاشانی، ۱۴۰۹، ۴۷)

ب: یک سال، این روایت را حسن بن زیاد از امام ابوحنیفه نقل نموده است.

ج: ۱ ماه.

د: دور شدن بوی شراب از دهن شارب در شرب خمر.

۰- شش ماه، این دیدگاه را محمد بن حسن شیبانی و محمد بن یوسف که یاران امام ابوحنیفه اند اختیار نموده است. (همان، ۴۶)

۵-۴-۱- مدت مرور زمان مجازات

نظر به عبارات که بعد از ذکر مدت مرور زمان در منابع فقه حنفی به کار گرفته شده، دانسته می شود که تنها مدت مرور زمان دعوی جزایی را فقه حنفی مشخص نموده است نه مرور زمان مجازات را، به عنوان مثال به چند مورد آن اشاره می کنیم.

الف: «وکل ذلک اذا لم یکن بین القاضی و بینهم مسیرہ شهر اما اذا کان بینهم مسیرہ شهر تقبل شہادتہم» (همان، ۷۰) ترجمه: مدت های متذکره فوق در صورتی سبب مشمولیت مرور زمان می گردد که بین قاضی و شاهدان مسافت یک ماهه نباشد. اگر مسیر یک ماهه باشد در هر صورت شہادت شاهدان علیہ متہم ہرچند زمانی طولانی گذشتہ باشد سبب سقوط مرور زمان می گردد.

ب: « فالتقادم اذا کان لعذر ظاہر لایکون قدحا بالشہادہ» (فتحی بہنسی، ۱۴۱۹، ۲۱۶) ترجمه: ادای شہادت با وجود تاخیر آن در صورت وجود عذر معقول سبب سقوط مرور زمان می گردد. لذا از قبول شہادت با وجود گذشت مدت بالاتر از مواعد مقرر در بند الف در صورت وجود فاصلہ و مسافت یک ماهہ بین قاضی و شاهدان عینی و همچنان قبول شہادت با وجود تاخیر آن، در صوت موجودیت عذر معقول چنین نتیجہ بدست می آید کہ در فقہ حنفی تنہا مدت مرور زمان دعوی جزایی معین گردیدہ است نہ مدت مرور زمان مجازات .

۵-۴-۳- سقوط مرور زمان

این بند بہ دنبال اثبات موارد سقوط مرور زمان اعم از دعوای جزایی و مجازات در فقہ حنفی می باشد.

۵-۴-۱-۳- سقوط مرور دعوای جزایی

دقیقا بہ صورت مشخص نظر و روایتی از امام ابوحنیفہ و شاگردان ارشد او امام یوسف و امام محمد در مورد سقوط مرور زمان دعوی جزایی در منابع فقہ حنفی وجود ندارد ولی با در نظر داشت مدت مرور زمان دعوی جزایی نزد فقہ حنفی علی الرغم اختلافات در مورد مدت آن از ۱-۶ ماه، چنین نتیجہ بدست می آید کہ مثلا شاهدان عینی اگر بعد از وقوع جرم در جرم زنا بعد از گذشت ۱ ماه کہ آن جرم در آستانہ مشمولیت مرور زمان قرار دارد، در محکمہ علیہ متہم شکایت نماید، سبب سقوط مرور زمان دعوی جزایی می گردد . چنانچہ قانون اجراءات جزایی نیز سبب سقوط مرور زمان دعوی جزایی را، شروع بہ تعقیب، جمع آوری دلایل علیہ متہم و محاکمہ او دانستہ است. (قانون اجراءات جزایی افغانستان، مادہ ۷۲)

۵-۴-۲-۳- سقوط مرور زمان مجازات

چنانچہ در بحث فوق ثابت شد کہ اگر مجرم حین اجرای مجازات، قبل از اتمام آن فرار نماید ولی پولیس در همان ساعت فرار دوبارہ مجرم را گرفتار نماید. متباقی مجازات بالای وی تطبیق می گردد. در نتیجہ گرفتاری مجرم در همان ساعت فرار توسط پولیس و اجرای متباقی مجازات بالای وی، یعنی همان سقوط مرور زمان مجازات.

۵-۵-۳- تعلیق مرور زمان

در این بند بہ تعلیق مرور زمان مجازات اعم از مرور زمان دعوی جزایی و مرور زمان مجازات میپردازیم.

۵-۵-۱-۳- تعلیق مرور زمان دعوای جزایی

در نظام قضایی اسلام برخلاف نظام های دیگر قاعدہ وحدت قضات حاکم است. (خالقی، ۱۳۹۷، ۷۵)

همچنان قضات به اساس تخصصی نشدن رشته های کیفری و مدنی و عدم تقسیم بندی های دیوان ها به دیوان جزایی و مدنی آن زمان به تمام قضایای مدنی و کیفری یکجا رسیدگی میگردند. (همان، ۸۳) در چنین نظامی قضات با قرار اناطه مواجه نمی شوند که تا زمانی حل و فصل موارد مرتبط مدنی با کیفری، توسط قضات مدنی پرونده های کیفری معلق بماند. از طرف دیگر تساوی افراد در برابر شرع در نظام قضایی اسلامی به معنای واقعی کلمه وجود دارد. (خبرگزاری مهر، برابری انسان از دید اسلام، و ۱۲ اصل تساوی افراد در قرآن، ۳) از خلیفه مسلمین که در رأس رهبری امت اسلامی قرار دارد گرفته تا یک فرد عادی امت اسلامی، بنابر این در نظام قضایی اسلام استثنای وجود ندارد که در محاکمه ای مقامات سیاسی مانند ریس دولت و یا وزیر دولت و یا مقامات قضایی مانند قاضی القضاات اجازه ای از شورای حل و عقد مبنی بر محاکمه ایشان گرفته شود. که این ساز و کار منتج به تعلیق پرونده قضایی در دادگاه گردد. و در نتیجه مسئله تعلیق مرور زمان دعوی جزایی به میان آید .

۵-۲-۳- تعلیق مرور زمان مجازات

اگر چند به صورت مشخص علت تعلیق مرور زمان کیفری در فقه حنفی به چشم نمی خورد ولی موارد اتفاقی در تمام مذاهب اسلامی وجود دارد که با وجود محکومیت شخص مجرم به مجازات توسط دادگاه نمی توان مجازات را بالای شخص محکوم علیه تطبیق کرد. مانند موارد که محکوم علیه مریض، حامله، و یا در دوران شیردهی قرار داشته باشد، و اجرای مجازات باعث هلاکت شخص مریض، سقط جنین زن حامله و یا محرومیت طفل نوزاد از شیر مادرش در جرایم مستوجب حد گردد. در این صورت اجرای مجازات تا بر طرف شدن مانع که مریضی، وضع حمل و یا اتمام دوره شیردهی زن برای نوزادش می باشد. از طرف دستگاه عدالت قضایی معلق گذاشته می شود (عوده، ۱۳۹۰، ۱۶۵) در نتیجه مرور زمان مجازات که در فقه حنفی رسمیت دارد. با عارض شدن مصادق فوق بالای شخص محکوم به مجازات مرور زمان مجازات تعلیق می گردد.

نتیجه گیری

نتایج ذیل حاصل تحقیقات و کاوش های است که از این تحقیق بدست آمده است.

- ۱- قویترین مبنای روایی فقه حنفی در پذیرش نهاد مرور زمان در جرایم حدی و تعزیری بر علاوه دلیل روایی و مظنه تهمت، اجماع اصحاب می باشد. زیرا وقتی روایتی را خلیفه دوم مسلمانان در جمع اصحاب پیامبر ذکر فرمود هیچ کدام از اصحاب انکار نفرمودند و جمعا سکوت نمودند و این سکوت از لحاظ فقهی به معنای اجماع سکوتی در فقه حنفی قلمداد می شود. اعتبار آن تقریبا به اندازه اجماع صریح می باشد.
- ۲- مشروعیت مرور زمان در جرایم تعزیری علی الرغم در تضاد واقع شدن با قاعده ای عدم سقوط حق با وجود طولانی بودن آن و عدم تشریع روشن و متقن در منابع روایی امامیه، حفظ نظم، مصلحت اجتماعی، جلوگیری از تورم پرونده های کیفری در دادگاه و غیره در بخش تعزیرات می باشد که این پذیرش در قانون مجازات اسلامی در بخش تعزیرات در ماده ۱۰۵ ای باز تاب یافته است .
- ۳- نظر به این روایت که در منابع روایی و فقهی امامیه دیده می شود که عبارت از عدم شنود شهادت شاهد بعد از گذشت شش ماه از وقوع زنا در دستگاه عدالت کیفری دانسته می شود که در فقه امامیه یک نوع مرور زمان که عبارت از مرور زمان تعقیب هست. ظاهرا پذیرفته شده هست. ولی نظر به شاذ بودن و مطرح بودن آن نزد هیچ یک از فقیهان و حقوقدانان که متاسی از فقه هست مورد توجه و تفقد نگرفته است.
- ۴- دو نوع بودن مرور زمان از این نقل قول ابوحنیفه دانسته می شود. «کما یمنع التقادم قبول الشهاده فی الابتداء یمنع الاقامه بعد القضاء.» ترجمه: چنانچه مرور زمان سبب عدم قبولیت شهادت در ابتداء که همان مرور زمان دعوی جزای است؛ همان سبب مانعی است برای اجرای مجازات بعد از صدور حکم.
- ۵- نظر به این نظری که از ابوحنیفه روایت گردیده که «همانا مشمولیت مرور زمان دعوی جزایی با گذشت اندکی از وقت ارتکاب جرم نیز تحقق می یابد» گفته میتوان که شروع و مبدأ مرور زمان دعوی جزایی و مرور زمان تعقیب بصورت حدسی لحظه ارتکاب همان جرم باشد.
- ۶- نظر به اصل حاکمیت وحدت قضات در نظام قضایی اسلام و همچنان تساوی افراد در محاکم نزد قاضی شرع ، نتیجه چنین می شود که در این نظام، قرار اناطه ای نیست که تا زمانی حل و فصل موارد مرتبط مدنی با کیفری، توسط قضات مدنی پرونده کیفری معلق بماند و بحث تعلیق مرور زمان در فقه به میان آید.
- ۷- علی الرغم عدم صراحت علت تعلیق مرور زمان مجازات در فقه حنفی، میتوان به صراحت گفت. هر علتی شرعی و قانونی که مانع اجرای مجازات گردد. تعلیق مرور زمان مجازات را تحقق میبخشد. مانند مریضی، حامله بودن و شیردهی.

۸- بخاطر اطلاق نصوص وارده در مورد جرایم حدود، قصاص و دیات نمی توان با امثال مرور زمان مجازات
ثابته را ساقط کرد. ولی در جرایم تعزیری سقوط مجازات اگر با مصلحت سنجی های حضرت قاضی
موافق آید. میتوان در نزد جمهور اهل سنت بوسیله مرور زمان مجازات را ساقط کرد .

منابع

قران کریم

الف: فارسی

- ۱- خالقی، علی، آیین دادرسی کیفری، موسسه مطالعات و پژوهشای حقوقی شهر دانش، چاپ سی هفتم .
۱۳۹۰ ج ۵.
- ۲- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه. تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷
- ۳- شیری، عباس، سقوط مجازات ها در حقوق کیفری اسلام و ایران، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه
شهید بهشتی، ۱۳۷۲
- ۴- طباطبایی، سید محمدحسین، فراهایی از اسلام، تهران، انتشارات جهانآراء، بی تا.
- ۵- عوده، عبدالقادر، حقوق جزای اسلامی و قوانین عرفی، فرهودی نیا، حسن، تهران، انتشارات احسان، چاپ ۱،
۱۳۹۰، ج ۱.
- ۶- لنگرودی، جعفر، دایره المعارف علوم قضایی، تهران، نشر گنج دانش، چاپ پنجم، ۱۳۸۱.
- ۷- معین، محمد، فرهنگ معین، تهران، ناشر نشر کتاب آزاد، ۱۳۵۱.

ب: عربی

- ۱- الفندی محمد علاوالدین، تکمله حاشیه رد المختار، ، بیروت، دارالفکر، ۱۹۹۵. ج ۲.
- ۲- الکاشاری، ابوبکر بن مسعود، بدایع الصنایع، پاکستان: الحبیبیة، ۱۴۱۹ چاپ اول.
- ۳- الشوکانی، محمد بن علی، نیل الاوطار فی شرح مننقی الاخیار، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی تا، جلد ۳.
- ۴- زحیلی، وهبه الزهیلی، الوجیز، تهران، انتشارات احسان، سال انتشار ۱۳۹۶، چاپ ۵.
- ۵- سرخسی، شمس الدین، مبسوط، بیروت، دارالمعرفه، ۲۰۱۰.
- ۶- فتحی بهنسی، احمد، نظریات فی الفقه الاسلامی، بیروت، دار الراید العربی، ۱۴۱۹، چاپ دوم.
- ۷- شهید ثانی، زین الدین احمد بن عاملی، مسالک الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام، قم: نشر موسسه معارف
الاسلامیه. چاپ اول، ج ۱۴، بی تا.
- ۸- طوسی، ابوجعفر محمد بن شیخ حسن، المبسوط فی الفقه الامامیه ، تهران: المکتبه المرتضویه،
۱۳۸۷ چاپ ۳، ج ۸.

- ۹- گلپایگانی، محمد رضا، الدر المنضود، قم، دارالقرانکریم، ۱۴۱۲، ۵ ق، ج ۱.
- ۱۰- موسوی خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه قم. بی تا، چاپ دوازدهم، ج ۴.

ج: مقاله

- ۱- پیلوار، رحیم، مطالعات تطبیقی فقهی- حقوقی اعراض در قانون ایران و فرانسه، مطالعات حقوقی تطبیقی، شماره دهم، ۱۳۹۶
- ۲- حسینی، صیر، عبدالب، سید، مرور زمان کیفری در فقه و حقوق افغانستان، پژوهش های حقوق کیفری، شماره سوم، سال دوم، ۱۳۹۰

د: قانون

- ۱- قانون مجازات اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۲، تهران، نشر دیدار.
- ۲- قانون اجراءات جزایی افغانستان مصوب ۱۳۹۳، کابل، بهیر، رسمی جریده.